

حضرت محمد(ص)، کورش، زرتشت

عبدالنبی قیم

ضمیمه جمعه این هفته اولین جمعه ماه مبارک رمضان مروزنامه الأهرام چاپ قاهره (مصر) به حضرت محمد(ص) اختصاص یافت. ضمیمه های مزبور به اهتمام استاد محسن عبدالعزیز معاون سردبیر الأهرام هر جمعه تقدیم خوانندگان می شود.

در این شماره علاوه بر ایشان، ادیب و منتقد معروف دکتر جابر عصفور، خانم رانیا الحفنی، آقای أسامه الرحیمی (همگی دوستان بنده) درباره شخصیت آن حضرت مقاله نوشتند.

مقاله خانم رانیا الحفنی اختصاص داشت به کتاب شاعر، نویسنده، سیاستمدار معروف فرانسوی لامارتین(1790 – 1868) به نام «زندگی محمد»، که لامارتین در این کتاب در باره آن بزرگوار چنین می گوید: اگر بزرگی سرنوشت، کوچکی اسباب و عظمت نتایج سه شاخصه نبوغ انسان هستند چه کسی جرات خواهد کرد تا یک انسان بزرگ در تاریخ مدرن را با محمد(ص) مقایسه کند؟

روز بعد یعنی شنبه (دیروز) استاد عزت السعدنی نویسنده معروف مصری، گویی حیفش آمد در این بزرگداشت نقشی نداشته باشد، مقاله ای در بیان شخصیت و عظمت آن حضرت نوشت که عنوان آن برگرفته از کتاب مایکل هارت (تولد 1932) اختر فیزیکدان یهودی امریکایی بود، به نام «صد: رتبه بندی مؤثرترین چهره های تاریخ».

مایکل هارت پیغمبر ما را نفر اول این رتبه بندی شناخته است. عنوان مقاله عزت السعدنی چنین است «سیدنا محمد اول الخالدين المائه... و لو کره الکارهون» (سرور ما محمد نفر اول صد انسان جاویدان... حتی اگر بدخواهان بدشان آید). معنی دقیق بخش دوم عنوان مقاله این است: به کوری چشم بدخواهان.

هر چند که من از کتاب مایکل هارت مطلع بودم و می دانستم چاپ اول این کتاب در سال 1978 منتشر شد و مایکل هارت در چاپ دوم آن را بازبینی کرد و در کتاب تجدید نظر به عمل آورده و شخصیت های مربوط به کمونیسم مثل لنین و مائو را تنزل مقام داده است، اما پس از خواندن این مقاله، این مطلب به ذهنم خطور کرد؛ که ما مسلمانان و ما ایرانی ها چگونه با داشتن شخصیتی به این بزرگی و به این عظمت، گاهی تحت تأثیر تعصب و به قول مرحوم بدیع الزمان فروزانفر «جنون تعصب» قرار می گیریم، به این و آن متشبث می شویم که نه تنها فاصله آن ها با حضرت محمد فرسنگ ها است، بلکه با آن بزرگوار قابل قیاس نیستند.

این رتبه بندی از یک عرب نیست، حتی از یک مسلمان نیز نیست. از یک نفر یهودی الأصل است که شاید به هیچ دینی معتقد نباشد و به وحی و لاهوت نیز اعتقادی نداشته باشد. اما روح علمی ایجاب می کند که او بدون تعصب و بدون تعلقات قومی، یا نژادی و یا حتی دینی، رتبه بندی خود را ارائه دهد. جالب اینجاست که در این رتبه بندی حضرت موسی در رتبه 16 است و حضرت عیسی در رتبه سوم است.

او معتقد است که حضرت محمد «به شکل اعلائی موفق» بوده است، هم در بعد مذهبی و هم در بعد سکولار. همچنین نقش پیامبر اسلام در توسعه و رواج این آیین خیلی فراتر از نقش عیسی مسیح در توسعه مسیحیت بوده

است. زیرا نقش اساسی در توسعه و رواج آیین مسیحیت را پولس انجام داده است. او در مورد انتخاب پیامبر اسلام به عنوان بالاترین جایگاه در این لیست جهانی می نویسد :

«انتخاب من به عنوان بالاترین جایگاه در این لیست (یعنی حضرت محمد) ممکن است بعضی افراد را شگفت زده کند و همچنین ممکن است مورد پرسش دیگران واقع شود، اما ایشان تنها مرد تاریخ است که در ابعاد معنوی و مادی به شکل خارق العاده ای موفق بوده است. حضرت محمد یکی از بزرگترین ادیان تاریخ را پایه گذاری و ترویج کرد و رهبر سیاسی تأثیرگذاری شد.

امروزه، سیزده قرن پس از وفاتش، نفوذ او همچنان نیرومند و فراگیر است.»

او در ادامه می افزاید:

«از آنجایی که به شکل قاطع تعداد مسیحیان دوبرابر مسلمانان است، از این که رتبه محمد بن عبدالله از عیسی بن مریم بالاتر است ممکن است عجیب به نظر برسد. دو دلیل اصلی برای این تصمیم وجود دارد: اول این که، نقشی که حضرت محمد در توسعه اسلام ایفا می کند به مراتب مهم تر از نقشی است که عیسی مسیح در توسعه مسیحیت ایفا کرد. اگرچه مسیح مسئول اخلاقیات و احکام اخلاقی به شمار می رود (تا آنجایی که این مذهب متفاوت از یهودیت می گردد). پولس توسعه دهنده اصلی الهیات در مسیحیت می باشد.

با توجه به نقش کلیدی ایشان (پولس) در تشویق دیگران برای گرویدن به دین مسیحیت .

همچنین پولس، نویسنده بخش بزرگی از کتاب عهد جدید می باشد. اما حضرت محمد مسئول هر دو بخش دین اسلام و همچنین اخلاقیات اصلی و اصول اخلاقی دین اسلام است. به علاوه ایشان نقش کلیدی در گرویدن به دین جدید و همچنین بنا نهادن شیوه های مذهبی دین اسلام را داشته اند.»

او در پایان می نویسد:

«در حقیقت به عنوان نیروی محرکه پیروزی مسلمانان، ایشان می تواند به عنوان تأثیرگذارترین رهبر تمام زمان ها رتبه بسیار خوبی بگیرد...»

پیروزی مسلمانان در قرن هفتم، نقش بسیار بزرگی در تاریخ بشریت ایفاء کرده است که تا روزگار کنونی هم ادامه دارد.»

مایکل هارت در جدول رتبه بندی ویژگی های آن بزرگوار را این چنین خلاصه می کند:

«شخصیت مرکزی اسلام، که به وسیله مسلمانان به عنوان پیامبر خدا و خاتم پیامبران شناخته می شود. فعال به عنوان: اصلاح گر اجتماعی، دیپلمات، بازرگان، فیلسوف، مبلغ مذهبی، قانون گذار، فرمانده نظامی، رئیس دولت، رهبری مذهبی.»

در رتبه بندی ایشان، ده نفر اول به شرح ذیل می باشند:

1- حضرت محمد (ص) 2- ایزاک نیوتن 3- حضرت عیسی مسیح(ع) 4- بودا 5- کنفوسیوس 6- پولس 7- تسای لون، مخترع کاغذ 8- گوتنبرگ، مخترع چاپ 9- کریستف کلمب 10- آلبرت انیشتن.

در این رتبه بندی کورش هخامنشی در رتبه 87 و زرتشت در رتبه 93 جای دارند .

مایکل هارت، اولین کسی نبوده که در باره حضرت محمد(ص) نظر داده است و ایشان را این چنین ستوده و شأن و منزلت آن حضرت را بیان کرده است. متفکران و نویسندگان بزرگ دیگری در باره آن حضرت سخنان ارزشمندی گفته اند. انشاء الله در فرصت مناسب تمام این سخنان را ذکر خواهیم کرد.

قصد و غرض بنده از نگارش این سطور، نشان دادن این است که کسانی که مسلمان نیستند و یهودی هستند یا حتی معتقد به وحی نیستند، این چنین درباره آن بزرگوار سخن گفته اند.

اما کسانی از سر تعصب و به قول مرحوم حسن تقی زاده از سر "جنون ملت پرستی افراطی"، افرادی را مطرح می کنند و درباره آن ها داد سخن می دهند که به هیچ وجه با آن بزرگوار قابل قیاس نیستند. اختلاف آن ها با آن حضرت، بر حسب مایکل هارت 87 رتبه و یا بیش از 93 رتبه است .

به قول مرحوم مجتبی مینوی، تعصب انسان را کور می کند و به قول شاعر بزرگ اقبال لاهوری «تعصب ملت پرستی» عین توحش است.